

بررسی ترجمه کلمه صلاة و هم خانواده های آن در ترجمه های فارسی

معاصر قرآن

*محبوبه اسدپور

چکیده

قرآن ریسمان محکم الهی، وسیله ایمنی بخش و حجت خدا بر مخلوقات است. خداوند پیمان عمل کردن به قرآن را از بندگان خود گرفته است. عمل به دستورات این کتاب مقدس در سایه فهم معانی آن امکان پذیر است. فهم و دریافت معانی دقیق قرآن مجید مانند هر متن معنادار دیگری در اولین گام، خود نیازمند رمزگشایی از واژگانی است که چون حلقه های یک زنجیر کنار هم قرار می گیرند، تا آن کلام را موجودیت بخشند؛ براین اساس، در پژوهش حاضر کوشش شده است، با عنایت به کاربردهای واژه قرآنی «صلاة» و بررسی دقیق آنها در قرآن مجید، برابرنهاده های این واژه در چند ترجمه معاصر مورد واکاوی قرار گیرد؛ در پایان براساس شواهد موجود مشاهده گردید که مترجمان برای این واژه اعم از اینکه ناقص یایی یا واوی باشد، متناسب با سیاق، معادلهایی چون نماز، دعا، تمجید، استغفار و طلب رحمت را به کار برده اند.

واژگان کلیدی: ترجمه قرآن، نماز، اصول ترجمه، برابر نهاده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۳۱

* دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه خراسان



طرح بحث

قرآن کتابی است که مسلمانان نسل به نسل و بدون کم و کاست سعی در فهم و انتشار معارف آن داشته‌اند.

اصل متن عربی قرآن باید همچنان دست نخورده باقی بماند؛ اما ترجمه آن برای بهره‌مندی از مفاهیم هدایت‌گر و سعادت‌آفرین آن، برای غیر عرب‌زبانان امری لازم و ضروری است. بخشی از آیات شریفه را آیات احکام، یا آیات فقهی تشکیل می‌دهد. در این آیات اصول و کلیات احکام تشریح شده و جزئیات احکام توسط سنت بیان می‌شود.

آیات قرآن، چه آیات فقهی و چه اعتقادی و اخلاقی و غیر آن، کلماتی را به کار گرفته‌اند که ضمن مأنوس بودن آن برای مردم، قرار گرفتن آن کلمات در ترکیب آیات معنای ژرف و وسیعی را به آنان داده است.

یکی از این کلمات، واژه «صلات» است. معنای اصلی این واژه دعاست، اما در فرهنگ قرآنی معنای دیگری نیز از آن اراده شده است در این نوشته تلاش شده معنای لغوی، اصطلاحی و نظرات مفسران در خصوص این کلمه ژرف قرآنی و نیز تناسب بین معنای لغوی با معنایی که قرآن از آن اراده فرموده مورد بررسی قرار گیرد. این بررسی نشان خواهد داد که توجه عمیق به کلمات و واژه‌های قرآنی نقش بنیادی در ترجمه قرآن کریم دارد.

ترجمه قرآن نه تنها از این جهت است که قرآن برای هدایت بشریت نازل شده است، بلکه برای این نیز می‌تواند باشد که با ارائه ترجمه‌ای درست، زمینه تفکر و تدبر در قرآن برای غیر عرب‌زبانان فراهم آید. با این کار زمینه تدبر در معانی آیات قرآن برای همگان فراهم می‌شود.



از آنجا که اسلام آیینی جهان شمول بوده و قرآن قانون اساسی آن است، همگان باید از محتوای کتاب آسمانی اسلام آگاه شوند؛ و ساده‌ترین راه دستیابی به چنین هدفی ترجمه دقیق آن است.

از این رو دانشمندان برجسته اسلامی از وجوب و ضرورت ترجمه قرآن سخن گفته‌اند. (خویی، ۱۳۱۷: ص ۵۱۰)

ترجمه کلام وحی فواید بی‌شماری دارد، برخی از اهداف مهم این نوشتار عبارت‌اند از:

۱. امکان فهم همگان از کلام خدا.

۲. روشن شدن حجت خدا بر همه و برخورداری حداکثری انسان‌ها از هدایت قرآنی، از هر زبان و نژاد.

۳. گسترش تعالیم الهی و فراهم آمدن زمینه تدبر و تعمق در آیات قرآن.

۴. دفع شبهات دشمنان قرآن با ارائه ترجمه درست از آن.

۵. آسان شدن عمل به دستورات قرآن برای عامه مردم غیر عرب زبان.

۶. ارائه گوشه‌ای از جمال و زیبایی‌های قرآن.

الف. مفهوم شناسی واژه «صَلَّى»

واژه «صلات» در لغت به معنای «دعا» است. (زبیدی، ۱۴۰۱۴ ق: ج ۱۹، ص ۶۰۶) خلیل

بن احمد می‌گوید معنای «دعا» مفهوم غالبی است که برای این واژه ذکر شده است.

«صَلَّوَاتِ الرَّسُولِ لِّلْمُسْلِمِينَ: دَعَاؤُهُ لَّهُمْ وَ ذِكْرُهُمْ» (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق: ج ۷، ص ۱۵۴)

راغب اصفهانی می‌گوید معنای «دعا» مفهوم غالب کلمه «صلات» است؛ و به معنای

تمجید و تبریک هم می‌آید؛ این کلمه در قرآن به معنای «دعا» آمده است؛ مانند: «وَصَلِّ

عَلَيْهِمْ أَنْ صَلَاتِكَ سَكَنٌ لَهُمْ» (توبه/ ۱۰۳)



«يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ» (الأحزاب/ ۵۶)

ابن منظور نیز معنای «دعا و طلب و استغفار» را برای این واژه ذکر کرده است. معنای دیگری که اهل لغت برای واژه صلوات ذکر کرده‌اند «تمجید و حسن ثناء» است:

«و صلوات الله على رسولہ: رَحْمَتُهُ لَهُ وَ حُسْنُ ثَنَائِهِ عَلَيْهِ.» (ابن منظور، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۴، ص ۴۶۴، ۴۶۵)

«صلوات» خدا بر پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌و‌سلم) به معنای تمجید و ثناء خداوند نسبت به آن حضرت است؛ و صلوات خدا بر انبیاء و بندگان صالحین نیز به معنای حسن ثنای خداوند بر آنان است؛ و گفته شده این صلوات به معنای مغفرت خدا بر این بندگان شایسته است.

صلاة به معنای دعا و استغفار

صلاة مردم بر میت یعنی دعای آنان؛ و صلوات ملائکه به معنای استغفار است:

«الصَّلَاةُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ دُعَاءٌ وَ اسْتِغْفَارٌ وَ مِنَ اللَّهِ رَحْمَةٌ وَ بِهِ سُمِّيَتِ الصَّلَاةُ لِمَا فِيهَا مِنْ

الدُّعَاءِ وَ الاسْتِغْفَارِ.» (ابن منظور، ۱۴۰۸ ق، ج ۷، ص ۱۵۴)

خداوند بر مسلمانان صلوات می‌فرستد مانند:

«أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ» (بقره/ ۱۵۷)

در اینجا صلوات به معنای نزول رحمت بر مسلمانان است؛ و صلوات فرشتگان بر مؤمنان به معنای طلب آمرزش است چنانکه صلوات مردم بر یکدیگر به معنای طلب آمرزش می‌باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۴۹۰)



صلاة به معنای عبادت

از دیگر مفاهیمی که در کتب لغت برای واژه صلات ذکر شده عبارت است از: نماز و عبادتی که در شرع آمده است که در آن ذکر و رکوع و سجود است. (نساء/ ۱۰۳)

گروهی از اهل لغت «صلاة» ناقص واوی «صلو» دانسته‌اند و در وجوه اشتقاق آن نظرات متفاوتی را بیان می‌کنند.

۱. برخی گفته‌اند «صَلَوٌ» مشتق از صلی و اسمی است که در جایگاه مصدر قرار گرفته و به معنای «دعا» می‌باشد. اولین بار جوهری این وجه را ذکر کرده است.

۲. بعضی دیگر گفته‌اند «صَلَوٌ» در اصل به معنای تعظیم است و به خاطر تعظیم کردن برای خداوند، نماز به این نام خوانده شده است. ابن اثیر در «النهایه» به این وجه اشاره کرده است.

۳. گروهی گفته‌اند مشتق از «صلوین» است و در تعریف آن گفته شده است: وجه اشتقاق آن به این دلیل است که حرکت پشت اولین چیزی است که در اعمال نماز ظاهر می‌شود. ابوعلی و ابن جنی به این وجه اشاره کرده‌اند.

ب. گروهی دیگر از اهل لغت واژه صلات را ناقص «یایی» دانسته‌اند؛ این گروه نیز در وجوه اشتقاق نظرات متفاوتی دارند:

۱. زجاج آن را مشتق از «صلی» یعنی لزوم و واجب بودن می‌داند و می‌گوید: صل فصلا له لزوم.

۲. ابن فارس این واژه را مشتق از «صَلِيتُ الْعُودَ بِالنَّارِ» می‌داند که به معنای نرم

کردن است، وقتی بخواهند چوبی را کج کنند یا کجی آن را راست نمایند، ابتدا آن را روی



آتش قرار می‌دهند تا نرم شود سپس به راحتی تغییر حالت داده و کج یا راست خواهد شد. نمازگزار نیز با خشوع در برابر خدا و آتش حب و عشق الهی نرم می‌شود و از کجی به راه راست می‌آید.

۳. راغب نیز آن را مشتق از صلی به معنای «صلى الرجل» می‌داند، یعنی «الصلى» که همان آتش برافروخته خداوند است. (میمندی، ۱۳۹۶: ص ۷۴)

«و الْمُصَلَّى بفتح اللام موضع الصلاة و الدعاء و منه قوله تعالى: وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى (۲ / ۱۲۵) قوله تعالى: اصْلَوْهَا * (۳۶ / ۶۴) أى احترقوا بها. يقال: صَلَّيْتُ النار و بالنار، إذا نالک حرها. قوله تعالى: فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ ناراً (۴ / ۳۰) أى نلقيه فيها. قوله تعالى: وَ يَصَلَّى سَعِيراً (۸۴ / ۱۲) قرىء مخففاً و مشدداً فمن خفف فهو -من صلی- بكسر اللام یصلی صلیا: احترق و مثله: هُم أَوْلَى بِهَا صِلِيًّا (۷۰ / ۱۹) قوله تعالى: وَ تَصَلِّيَةُ جَحِيمٍ (۹۴ / ۵۶) التَّصَلِّيَةُ: التلويح على النار؛ و اختلف فى اشتقاق الصَّلَاةِ بمعنى ذات الأركان: فعن المغرب أنها فعلة من «صلى» كالزكاة من زكى و اشتقاقها من الصَّلَا و هو من العظم الذى عليه الأليان، لأن الْمُصَلَّى يحرك صَلْوِيهِ فى الركوع و السجود؛ و عن ابن فارس هى من صليت العود بالنار، إذا لينته، لأن الْمُصَلَّى يلين بالخشوع. قوله تعالى: أَنْ اللَّهُ وَ مَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ (۳۳ / ۵۶) قرىء برفع مَلَائِكَتُهُ، فقال الكوفيون بعطفها على أصل آن و اسمها و قال البصريون مرفوعة بالابتداء... (طريحي، ۱۴۰۸ ق، ج ۱، ص ۲۶۶)

خلاصه آنکه: واژه شناسان برای ماده «صلو / صلى» دو معنا ذکر کرده‌اند: یکی آتش و مشابه آن و دیگری نوعی عبادت. ابن فارس می‌گوید:



ماده «صلی (صاد و لام و حرف معتل)»، دو اصل معنایی دارد: یکی آتش و مانند آن چون تب و گرما و دیگری از جنس عبادت است.

در معنای اول گفته می‌شود:

«صَلَّيْتُ الْعُودَ بِالنَّارِ» (چوب را با آتش سوزاندم)

معنای دوم، صَلَات به معنای دعا کردن است. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«هرگاه یکی از شما به غذایی دعوت شد، اجابت کند. اگر روزه نداشت، از آن غذا بخورد و اگر روزه داشت برایشان دعای خیر و برکت کند...»

صَلَات شرعی، عبارت است: از رکوع و سجود و دیگر حدود و ارکان نماز. صَلَات از جانب خدا، به معنای رحمت است. کسی و تمجید است. گفته می‌شود: «صَلَّيْتُ عَلَيْهِ»، یعنی: برایش دعا کردم. (محمدری شهری، ۱۳۸۷ ق: ص ۳۲۳)

نتیجه آنکه: کلمه صَلَات در لغت به معنای دعا، تمجید، استغفار و طلب رحمت به کار رفته است؛ و در شرع مقدس به معنای عبادت مخصوص مرکب از اذکار و افعال خاص مثل رکوع و سجود می‌باشد.

ب. آیات نماز در قرآن و ترجمه آن

از میان آیات نورانی قرآن، ترجمه آیات مربوط به نماز را برگزیده‌ایم چرا که نماز از ارکان اصلی و مهم دین است، چنانکه حضرت باقر (علیه‌السلام) فرموده‌اند:

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ»

اسلام بر پنج پایه بنا شده است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت. (کلینی، ۱۴۳۰ ق: ج ۲،



آیات مربوط به نماز جنبه فقهی، معرفتی، اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و بهداشتی دارد، اما آنچه در این نوشته مورد نظر است پرداختن به بعد فقهی این آیات است. این پژوهش در صدد بررسی ترجمه‌های فارسی قرآن کریم در مورد نماز می‌باشد. ابتدا به مفهوم شناسی واژه «صلات» و «اقامه» و معانی مختلف صلوات می‌پردازیم، سپس ترجمه آیات مربوط به نماز.

الف. طبقه‌بندی آیات صلوات

آیاتی که در آن‌ها واژه صلوات و دیگر مشتقات آمده است به گونه زیر قابل طبقه‌بندی است:

۱. آیات فقهی که اصل وجوب نماز و اهمیت آن را تشریح و تبیین نموده‌اند:

«فَأَقِمْوُا الصَّلَاةَ أَنْ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا» (نساء/۱۰۳)

۲. آیاتی که اوقات نماز را بیان کرده‌اند؛ مانند:

«أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ أَنْ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا»

(اسراء/۷۸)

۳. آیاتی که اقامه نماز را یکی از صفات متقین و معاد باوران شمرده‌اند؛ مانند:

«ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ؛ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ» (بقره/۲)

و ۳)

۴. آیاتی که آثار و فواید معنوی و تاثیر این ذکر مهم الهی در زندگی بشر را بیان

نموده‌اند؛ مانند:



«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ آن الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا

تَصْنَعُونَ» (عنکبوت/۴۵)

۵. آیاتی که اداب نماز را بیان فرموده‌اند؛ مانند:

«وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» (مؤمنون/۹)

ترجمه آیه صلوات

اینک پس از بیان معنای لغوی کلمه صلوات، به بررسی ترجمه مترجمان قرآن از یک آیه می‌پردازیم؛ این آیه تجلی برداشت مترجمان قرآن کریم می‌باشد؛ آیه‌ای که یادآوری می‌کند که خدا و ملائک بر رسول خدا صلوات می‌فرستند و از مؤمنان نیز می‌خواهد آنان نیز بر پیامبر صلوات بفرستند؛ باید ببینیم مترجمان کلمه صلوات را در این آیه به چه معنایی گرفته‌اند:

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ» (احزاب/۵۶)

الهی قمشه‌ای: خدا و فرشتگانش بر (روان پاک) این پیغمبر صلوات و درود می‌فرستند شما هم ای اهل ایمان، بر او صلوات و درود بفرستید و با تعظیم و اجلال بر او سلام گوید و تسلیم فرمان او شوید.

انصاریان: همانا خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود و رحمت می‌فرستند. ای اهل ایمان! بر او درود فرستید و آن‌گونه که شایسته است، تسلیم او باشید.

فولادوند: خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و به فرمانش به‌خوبی گردن نهید.



مشکینی: همانا خدا و فرشتگانش همواره بر پیامبر درود می‌فرستند (خدا بذل رحمت خاص و فرشتگان توصیف و تقدیس می‌کنند) ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود فرستید و سلام گویند و کاملاً تسلیم (فرمان او) باشید.

ترجمه مکارم: خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستد؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و سلام گویند و کاملاً تسلیم (فرمان او) باشید.

ب. معنای واژه صلوات از دیدگاه مفسران

تفسیر کاشف:

درود خدا بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به معنای خشنودی، رحمت و ستودن او به هر نیکی است.

درود بر او از سوی فرشتگان به معنای تزکیه و از سوی مؤمنان به معنای دعا برای بالا رفتن مقام او می‌باشد. از امام رضا (علیه‌السلام) درباره معنای درود خدا، فرشتگان و مؤمنان بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پرسیدند؟ امام (علیه‌السلام) فرمود:

«درود خدا رحمت، درود فرشتگان تزکیه و درود مؤمنان دعاست.» البته درود بر پیامبر، تنها به خدا، فرشتگان و ایمان آورندگان به رسالت محمد (صلی الله علیه و آله) خلاصه نمی‌شود؛ زیرا هر انسانی که به چیزی از سنت پیامبر عمل کند، یا آن را بیاموزد، یا بدان استدلال کند یا آن را بنویسد و یا یکی از فضایل آن حضرت را بیان کند، به او درود فرستاده است، خواه مؤمن باشد و خواه نباشد، آن را اراده کند و یا نکند.

امام جعفر صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید:

درود شخص بر محمد (صلی الله علیه و آله) نظیر این سخن اوست:

«سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر.»



امام می‌خواهد بگوید: پاداش درود گفتن بر محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) کاملاً همانند پاداش تسبیح، الحمد لله، لا اله الا الله و الله اکبر گفتن است. (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۷۳، ص ۳۰۶، ح ۲۸)

از پیامبر (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نقل شده که فرمود:

بخیل کسی است که نام من در نزد او برده شود و او بر من درود نفرستد «اللَّهُمَّ صَلِّ

علی محمد و آل محمد» (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۳۸۸ و ۳۸۹)

تفسیر المیزان:

قبلاً گفتیم که کلمه «صلات» در اصل به معنای انعطاف بوده و صلوات خدا بر پیغمبر به معنای انعطاف او به وی است، به وسیله رحمتش، البته انعطافی مطلق، چون در آیه شریف صلوات را مقید به قیدی نکرده و همچنین صلوات ملائکه او بر آن جناب، انعطاف ایشان است بر وی، به اینکه او را تزکیه نموده و برایش استغفار کنند و صلوات مؤمنین بر او انعطاف ایشان است به وسیله درخواست رحمت برای او.

و در اینکه قبل از امر به مؤمنین که بر او صلوات بفرستید، نخست صلوات خود و ملائکه خود را ذکر کرده، دلالتی هست بر اینکه صلوات مؤمنین بر آن جناب به پیروی خدای سبحان و متابعت ملائکه اوست و این خود نهی آینده را تأکید می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۵۰۷)

از طریق شیعه و سنی هم روایت بسیار زیاد رسیده، در اینکه طریق صلوات فرستادن مؤمنین بر آن جناب، این است که از خدا بخواهند بر او و آل او صلوات بفرستد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۵۰۸)

تفسیر نمونه:

«ان الله و ملائکته یصلون علی النبی»



خداوند و فرشتگانش بر پیامبر رحمت و درود می‌فرستند.

مقام پیامبر ص آن قدر والا است که آفریدگار عالم هستی و تمام فرشتگانی که تدبیر این جهان به فرمان حق بر عهده آن‌ها گذارده شده است بر او درود می‌فرستند، اکنون که چنین است شما نیز با این پیام جهان هستی هماهنگ شوید.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود بفرستید و سلام بگوئید و در برابر فرمان او تسلیم باشید. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۴۱۵)

او یک گوهر گران قدر عالم آفرینش است و اگر به لطف الهی در دسترس شما قرار گرفته مبادا ارزشش بشمارید، مبادا ارج و مقام او را در پیشگاه پروردگار و در نزد فرشتگان همه آسمان‌ها فراموش کنید، او یک انسان است و از میان شما برخاسته ولی نه یک انسان عادی، کسی است که یک جهان در وجودش خلاصه شده است.

در اینجا به نکاتی باید توجه کرد:

«صلوات» و «صلوات» هرگاه به خدا نسبت داده شود به معنی فرستادن رحمت است و هرگاه به فرشتگان و مؤمنان منسوب گردد به معنی طلب رحمت می‌باشد. (راغب در مفردات همین معنی را به عبارت دیگری آورده است)

۲- تعبیر به «یصلون» به صورت فعل مضارع دلیل بر استمرار است یعنی پیوسته خداوند و فرشتگان رحمت و درود بر او می‌فرستند، رحمت و درودی پیوسته و جاودانی.

فرق میان «صلوا» و «سلموا» صلوا، امر به طلب رحمت و درود فرستادن بر پیامبر است، اما «سلموا» یا به معنی تسلیم در برابر فرمان‌های پیامبر گرامی اسلام است چنان که در آیه ۶۵ سوره نساء آمده است:



«ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»

مؤمنان کسانی هستند که به داوری تو تن دهند و حتی در دل از قضاوت کمترین ناراحتی نداشته باشند و تسلیم مطلق گردند.

ابو بصیر از امام صادق (علیه‌السلام) سؤال کرد منظور از صلوات بر پیامبر را فهمیده‌ایم، اما معنی تسلیم بر او چیست؟ امام فرمود: هو التسليم له في الامور: منظور تسلیم بودن در برابر او در هر کار است.

و یا به معنی سلام فرستادن بر پیامبر ص به عنوان السلام علیک یا رسول الله و مانند آن می‌باشد، که محتوایش تقاضای سلامت پیامبر ص از پیشگاه خداست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۴۱۷)

چنانکه مشاهده شد، مفسران و مترجمان قرآن کریم واژه صلوات را در آیه «صلوات» به معنای دعا، رحمت و تمجید معنا کرده‌اند.

ج. نمونه‌ای از ترجمه آیات نماز

آیات مربوط به نماز در قرآن کریم متعدد و پرشمارند؛ از باب نمونه یک ترجمه و تفسیر یک آیه را بررسی می‌کنیم.

فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا
الصَّلَاةَ ۚ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا (نساء/۱۰۳)

الهی قمشه‌ای: پس آن گاه که از نماز فراغت یافتید باز در همه احوال، ایستاده یا نشسته یا بر پهلو خفته (در هر حال که توانید) یاد خدا کنید، سپس که (از آسیب دشمن) ایمن شدید در این حال نماز (کامل) به جای آرید، که برای اهل ایمان، حکمی معین و واجب و لازم است.



انصاریان: پس هنگامی که نماز را [در میدان جنگ] به پایان بردید، خدا را در حال ایستاده و نشسته و خوابیده یاد کنید؛ و همین که [از فتنه و آشوب دشمن] مطمئن شدید، نماز را [به صورت معمولش] اقامه کنید. مسلماً نماز همواره در اوقاتی مشخص و معین و وظیفه‌ای مقرر و لازم بر مؤمنان است.

فولادوند: و چون نماز را به جای آوردید، خدا را [در همه حال] ایستاده و نشسته و بر پهلو آرمیده، یاد کنید. پس چون آسوده‌خاطر شدید، نماز را [به طور کامل] به پا دارید، زیرا نماز بر مؤمنان، در اوقات معین مقرر شده است.

مشکینی: و چون نماز (خوف) را تمام کردید خدا را (در همه حال) ایستاده و نشسته و بر پهلو آرمیده به یاد آرید و چون (از شر دشمن) مطمئن شدید نماز (معمولی) را به پا دارید، که بی‌تردید نماز همواره بر مؤمنان مقرری است واجب.

مکارم: و هنگامی که نماز را به پایان رساندید، خدا را یاد کنید؛ ایستاده و نشسته و در حالی که به پهلو خوابیده‌اید! و هرگاه آرامش یافتید (و حالت ترس زایل گشت)، نماز را (به طور معمول) انجام دهید، زیرا نماز، وظیفه ثابت و معینی برای مؤمنان است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص: ۱۰۱)

تفسیر المیزان:

«فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ...»

دو کلمه «قیام» و «قعود» هم ممکن است جمع قائم و قاعد باشند و هم اینکه مصدر باشند و در هر حال در این آیه شریفه حال از ذکر خدایند.

و همچنین جمله: «عَلَىٰ جُنُوبِكُمْ» که آن نیز حال است و آوردن این سه حال کنایه

است از استمرار ذکر، به طوری که همه احوال را فرا گیرد.



می فرماید: وقتی نمازتان تمام شد به طور دائم و در همه احوال خدای تعالی را به یاد آورید.

«فَإِذَا أَطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ» مراد از اطمینان، استقرار است و چون جمله مورد بحث در مقابل جمله: «وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ...» قرار گرفته، از ظاهر آن برمی آید که مراد به این استقرار، برگشتن از سفر جنگ به وطن است، سیاق هم این معنا را تأیید می کند و بنابراین مراد به اقامه نماز در وطن، نشکستن آن و تمام خواندن آن است، زیرا تعبیر از نماز خوف به نماز شکسته اشاره‌ای به این معنا دارد.

«ان الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا»

نماز بر مؤمنین نوشته و واجبی است دارای وقت.

از ظاهر لفظ آیه برمی آید که نماز از همان اول تشریح، فریضه‌ای دارای وقت بوده که باید هر نمازی را در وقت خودش انجام داد. ولی ظاهراً وقت در نماز، کنایه باشد از ثبات و عدم تغیر و خلاصه کلام اینکه ظاهر لفظ منظور نیست و نمی‌خواهد بفرماید نماز فریضه‌ای است دارای وقت بلکه می‌خواهد بفرماید:

فریضه‌ای است لا یتغیر و ثابت و بنابراین اطلاق موقت بر کلمه کتاب، اطلاق ملزوم بر لازمه چیزی است؛ و مراد از کتاب موقت، کتابی مفروض و ثابت و غیر متغیر است. می‌خواهد بفرماید: نماز به حسب اصل، دگرگونی نمی‌پذیرد، پس در هیچ حالی ساقط نمی‌شود، اگر ما این معنا را ترجیح دادیم برای این است که معنای اول که در بدو نظر از ظاهر لفظ آیه به ذهن می‌رسد، با مضمون جمله‌های قبلی نمی‌سازد، چون مضمون آن جمله‌ها احتیاج به آن نداشت که متعرض موقت بودن نماز بشود و بفرماید نماز وقتی معین



دارد، علاوه بر اینکه جمله: «ان الصَّلَاةَ...» در مقام بیان علت جمله: «فَإِذَا أَطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ» است.

و معلوم است که ظاهر این تعلیل این است که مراد از موقوف بودن نماز ثابت بودن آن و ساقط نشدنش در هیچ حالی از احوال و مبدل نشدنش به چیز دیگر است، می‌فرماید:

نماز نه ساقط می‌شود و نه مانند روزه به چیز دیگر نظیر کفارہ مبدل و عوض می‌شود.

(طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص: ۱۰۱)

تفسیر کاشف:

«فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ»

مراد از «الصلاة» در این جا نماز خوف و مراد از قضا، فارغ شدن از آن است، معنای آیه آن است که ذکر خدا در هر حال خوب است، نه تنها در حال نماز.

امام علی (علیه‌السلام) فرمود:

«خداوند ذکر خود را بر زبان‌های شما واجب کرده و شما را به تقوا دستور داده و آن را آخرین انتظارش از آفریدگان خود قرار داده است.»

این عربی در جزء چهارم از فتوحات مکیه گفته است: کسی که بر ذکر خدا در حال قیام، قعود و خوابیدن به پهلو دست یابد، به «وجود» دست یافته است.

«فَإِذَا أَطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ ان الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا.»

مراد از «کتاب» این است که نمازهای پنج‌گانه مکتوب و واجب است و مراد از «موقوت» این است که این نمازها به اوقاتی مشخص در صبح و شب محدودند. مقصود آن است که هر وقت جنگ پایان یافت و خوف از بین رفت، بر شماست که نماز را در



اوقات خود انجام دهید و آن را سبک نشمارید. ما، در آیات سابق درباره نماز و اهمیتی که اسلام برای آن قائل است و این که ترک آن به کفر منجر می‌شود سخن گفتیم.

سؤال: آیه، نماز خوف را در زمانی واجب قرار داده است که جنگ با ابزاری چون شمشیر، نیزه و خنجر صورت می‌گرفت، اما اکنون سلاح‌های جنگی به ابزاری جهنمی که می‌دانیم، تحول یافته‌اند. بنابراین، با برداشته شدن موضوع نماز خوف، باید این نماز نیز برداشته شود.

پاسخ: سبب وجوب این نماز، خوف است، با صرف نظر از این که جنگ و ابزار آن قدیمی باشد و یا جدید و حتی اگر خوف به سبب عوامل دیگری غیر از جنگ باشد، کوتاه کردن نماز چه از لحاظ مقدار و چه از لحاظ کیفیت جایز است.

صاحب جواهر گفته است:

«هرگاه کسی از سیل، درنده، مار، آتش سوزی و یا چیزهایی دیگر بترسد، جایز است نماز خوف به جای آورد و نماز را، هم از لحاظ تعداد رکعات و هم از لحاظ کیفیت کوتاه کند؛ زیرا میان عواملی که موجب خوف می‌شوند هیچ‌گونه فرقی وجود ندارد. از این رو، از امام صادق (علیه‌السلام) سؤال شد: کسی که از درنده و یا دزد می‌ترسد، چگونه نماز بخواند؟ امام (علیه‌السلام) فرمود: تکبیر گوید و اشاره کند.»

بار دیگر تأکید می‌کنیم که نماز در هیچ حالتی ساقط نمی‌شود و هر انسانی باید آن را به هر ترتیبی که می‌تواند، چه از لحاظ لفظ و چه از لحاظ عمل، به جای آورد و اگر از این دو ناتوان شد باید با اشاره چشم نماز بگذارد و اگر از اشاره هم عاجز شد باید صورت نماز را در قلبش خطور دهد. (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص: ۶۷۰ تا ۶۷۱)

تفسیر نمونه:



به دنبال دستور نماز خوف در آیه گذشته و لزوم بپا داشتن نماز حتی در حال جنگ در این آیه می‌فرماید:

«فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَتَعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ»

پس از اتمام نماز یاد خدا را فراموش نکنید و در حال ایستادن و نشستن و زمانی که بر پهلو خوابیده‌اید به یاد خدا باشید و از او کمک بجوئید. منظور از یاد خدا در حال قیام و قعود و بر پهلو خوابیدن، ممکن است همان حالات استراحت در فاصله‌هایی که در میدان جنگ واقع می‌شود باشد و نیز ممکن است به معنی حالات مختلف جنگی که سربازان گاهی در حال ایستادن و زمانی نشستن و زمانی به پهلو خوابیدن، سلاح‌های مختلف جنگی از جمله وسیله تیراندازی را بکار می‌برند، بوده باشد. «قیام» هم معنی مصدری دارد (یعنی ایستادن) و هم جمع قائم است (یعنی ایستادگان) و «قعود» نیز چنین است یعنی هم به معنی «نشستن» و هم به معنی «نشستگان» آمده است و در آیه فوق هر دو معنی احتمال دارد)

آیه فوق در حقیقت اشاره به یک دستور مهم اسلامی است، که معنی نمازخواندن در اوقات معین این نیست که در سایر حالات انسان از خدا غافل بماند بلکه، نماز یک دستور انضباطی است که روح توجه به پروردگار را در انسان زنده می‌کند و می‌تواند در فواصل نمازها خدا را به خاطر داشته باشد خواه در میدان جنگ باشد و خواه در غیر میدان جنگ.

آیه فوق در روایات متعددی به کیفیت نمازگزاردن بیماران تفسیر شده که اگر بتوانند ایستاده و اگر نتوانند نشسته و اگر باز نتوانند به پهلو بخوابند و نماز را بجا آورند، این تفسیر در حقیقت یک نوع تعمیم و توسعه در معنی آیه است اگر چه آیه مخصوص به این مورد نیست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۴، ص ۱۰۴ و ۱۰۵)



چنانکه قبلاً گذشت واژه صلوات در اصل به معنای دعا است؛ این کلمه در قرآن کریم نیز به همه معنا به کار رفته است؛ از باب نمونه:

«أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ» (بقره/۱۵۷)

الهی قمش‌های: آن گروه‌اند که مخصوص به درود و الطاف الهی و رحمت خاص خداوند و آن‌ها خود هدایت یافتگان‌اند.

انصاریان: آن‌اند که درودها و رحمتی از سوی پروردگارشان بر آنان است و آن‌اند که هدایت یافته‌اند.

فولادوند: بر ایشان درودها و رحمتی از پروردگارشان [باد] و راه یافتگان [هم] خود ایشان‌اند.

مشکینی: آن‌ها هستند که بر آن‌ها درودها و رحمتی از جانب پروردگارشان می‌رسد و آن‌ها هستند که رهیافته‌اند.

مکارم شیرازی: این‌ها، همان‌ها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده؛ و آن‌ها هستند هدایت یافتگان

تفسیر المیزان: دقت در این آیه معنا را دست می‌دهد که صلوات به وجهی غیر از رحمت است شاهدش این است که آن به صیغه جمع آمده و این به صیغه مفرد و شاهد دیگرش آیه شریفه:

هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ، وَ مَلَائِكَتُهُ يُخْرِجُكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ، وَ كَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا»

او کسی است که بر شما صلوات می‌فرستد و ملائکه او نیز تا شما را از ظلمت‌ها به سوی نور خارج کند و او همواره به مؤمنین رحیم است. (احزاب/ ۴۳)



پس تا اینجا روشن شد که رحمت خدا به ایشان این است که ایشان را به سوی خود هدایت کند و صلوات او بر ایشان به منزله مقدمه این هدایت است و اهداء ایشان نتیجه هدایت خداست، خدا ایشان را هدایت کرد و ایشان هم هدایت خدا را قبول کردند، پس هر یک از صلوات و رحمت و اهداء، معنایی جداگانه دارند هر چند که از نظر دیگر همه مصادیق رحمت‌اند.

در آیه مورد بحث هم تمامی صلوات و رحمت و اهداء هم از یک نظر اکرام واحد است و هم از نظری دیگر مواظبت در بین راه و در خانه، به منزله صلوات و به خانه آوردنش به منزله اهداء و از اول تا به آخرش به منزله رحمت است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۴۴ و ۵۴۲) تفسیر کاشف:

«أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ.»

«صلوات» از جانب خداوند به معنای بزرگ داشتن و بالا بردن مقام بندگان است و رحمت او به بندگان به معنای مدارا کردن خدا با آنان و هدایت آنان به سوی چیزی است که به نفع آنهاست و نیز به معنای نعمت دادن به آنها می‌باشد. در حدیث آمده است:

هر مسلمانی که مصیبتی به او برسد و به سوی خدا انابه کند و آیه «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» را بر زبان جاری نماید و بگوید: خدایا، مصیبتم را به حساب تو می‌گذارم. پس مرا در این مصیبت، پاداش و بهتر از آن را برایم عوض بده، خداوند او را پاداش و عوض برتر خواهد داد. (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۴۰)

تفسیر کبیر:



أما قوله: **أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ** فاعلم أن الصلاة من الله هي: الثناء و المدح و التعظيم و أما رحمته فهي: النعم التي أنزلها به عاجلاً ثم آجلاً. (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۴، ص ۱۳۳)

تفسیر نمونه:

این‌ها کسانی هستند که لطف و رحمت خدا و درود الهی بر آن‌ها است

«**أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ**»

نویسنده المنار می‌گوید:

منظور از «صلوات» در اینجا انواع تکریم و پیروزی‌ها و ترفیع مقام نزد خدا و بندگان است و از ابن عباس نقل می‌کند که منظور از آن آمرزش گناهان می‌باشد ولی روشن است که صلوات مفهوم وسیعی دارد که هم این امور و هم سایر رحمت‌ها و نعمت‌های الهی را شامل می‌شود. (المنار جلد ۲ صفحه ۴۰)

این الطاف و رحمت‌ها آن‌ها را نیرو می‌بخشد که در این راه پر خوف و خطر گرفتار اشتباه و انحراف نشوند، لذا در پایان آیه می‌فرماید: و آن‌ها هستند هدایت یافتگان. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۵۲۶)

نتیجه بحث

واژه صلوات در لغت به معنای دعا است؛ و در شرع مقدس به معنای عبادتی با ارکان، اذکار و افعال خاص می‌باشد.

همچنین این واژه به معنای تمجید، ثنا، تمجید و مدح می‌باشد



بررسی ترجمه مترجمان و تفاسیر نشان می‌دهد که آنان نیز این واژه را به معنای دعا، عبادت خاص، تمجید و درود معنا کرده‌اند. در واقع برداشت مفسران و مترجمان از این کلمه، نزدیک به معنای لغوی است.

اما اینکه این کلمه در کدام آیه به معنای دعا و یا نماز است، بستگی به وجود قرینه دارد. این قرینه یا در خود آیات است، مثل آیاتی که مربوط به تشریح نماز و بیان اوقات نماز است و یا از فضای کلی آیه استفاده می‌شود.

بررسی این شواهد نشان می‌دهد که معنای جامع «صلات»، انعطاف و توجه است که بنا به اختلاف نسبت، متفاوت می‌شود؛ بنابراین نسبت «صلات» به بنده در مفهوم دعا و طلب میل و توجه است و این نسبت در خصوص خداوند، رحمت و توجه و توفیق در عبادت و عصمت از هر بدی است و از جانب فرشتگان، طلب آموزش برای انسان‌هاست.

«صلات» در اصل در زبان‌های سامی به معنی «عبادت مخصوص و صدازدن و فراخواندن» بوده، سپس وارد زبان عربی شده و در مفهوم «دعا» به معنای «طلب کردن و درخواست کردن» به کار رفته است و از باب مجاز به نماز هم اطلاق می‌شود؛ زیرا دعا بخشی از نماز است.

بین واژه‌های «الصلاة»، «الصلی» و «الصلو» تناسب وجود دارد و همگی در مفهوم روی آوردن و نزدیک کردن مشترک هستند. الصلاة روی آوردن به مقام برتر نورانی است که همان ارتباط با خداوند و حضور در مقابل اوست. الصلی، روی آوردن به آتش است.

الصلو، نشان دادن محبت و دوستی و بیان درود و تمجید برای یک مقام است. پس لفظ صلوات، یایی باشد یا واوی، در اصل نشان‌دهنده یک مفهوم مشترک است. با بررسی در حد امکان منابع لغوی و تفسیری در خصوص واژه صلوات و وجوه اشتقاق آن به نظر می‌رسد که هر یک از وجوه اشتقاق این واژه اعم از یایی یا واوی نشان‌دهنده ظاهر یا باطن نماز



هستند. آنجا که واژه صلوات، مشتق از صَلَى، صَلَى یا صَلَى و به معنای متعادل شدن با خشوع، دعا و طلب میل و توجه یا دور شدن از آتش، در نظر گرفته شده است.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت، دار صادر، ۱۴۰۸ ق.

۲. جعفری، آرتور، خدمت و خیامت مترجمان قرآن، نقدی بر عملکرد مترجمان اروپایی،

ترجمه محمد رسول دریایی، اندیشه اسلامی، ۱۳۸۲

۳. خویی، ابوالقاسم، البيان في تفسير القرآن، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۳۱۷.

۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، دار الشامیة، لبنان - بیروت، ۱۴۱۲

۵. ق،



۵. زبیدی، مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، دار الفکر - بیروت - لبنان، ۱۴۱۴ ق.
۶. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ: ۵، ۱۳۷۴ ه.ش.
۷. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ ق.
۸. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، دار إحياء التراث العربی - لبنان - بیروت، چاپ: ۳، ۱۴۲۰ ه.ق.
۹. فراهیدی. خلیل. بن احمد، العین. نشر هجرت. چاپ دوم. قم. ایران. ۱۴۱۰ ق.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، به اهتمام محمدحسین درایتی، قم، دارالحدیث، ۱۴۳۰ ق.
۱۱. مجلسی، محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت داراحیاء التراث العربی، ۱۴۴۰
۱۲. محمدی ری شهری، نهج الذکر، ترجمه حمید رضا شیخی، دار الحدیث، قم، ۱۳۸۷ ق.
۱۳. مغنیه، محمدجواد، تفسیر الکاشف، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم) - چاپ: ۱، ۱۳۷۸ ه.ش
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ ه.ش.
۱۵. میمندی، شریفی فر، شکوفه، وصال، تبارشناسی واژه قرآنی صلات، دوفصلنامه پژوهشی زبان شناختی قرآن، ش ۱۱، ۱۳۹۶

